

یکی از نسخه های خطی کهنه و اصیل دیوان حافظ



یکی از نسخه های خطی دیوان حافظ که باید مورد مطالعه و بررسی حافظ شناسان قرار گیرد نسخه ای است که زیر شماره ثبت ۴۶ . ۶۷ ، (67.46) در موزه ملی دهلی نو موجود است و ما از آن بنام نسخه دهلی یسار خواهیم کرد . (۱) از صفحه آخر معلوم می شود که نسخه مذکور در سال ۷۵۹ هجری قمری یعنی سی و یک سال پیش از وفات خواجه حافظ استنساخ گردیده ، اما باید شواهد داخلی هم اینرا تأیید کند . در هر صورت این نسخه خیلی زیبا و مطلا و مذهب می باشد ، بعلاوه کامل و خیلی پر ارزش و اصیل بنظر میرسد . در اینجا باید تذکر داده شود که این نسخه فاقد مقدمه نثری و قصاید می باشد ، البته غزلیات ذیل موجود است که آنرا

* استاد فارسی در دانشگاه دهلی

۱- ۲۱۰ ورق (۴۲۰ صفحه) با اندازه ۱۶ × ۴۲ سانتی متر

قصیده هم گفته اند : -

۱- جوزا سحر نهاده حمایل برابرم

۲- ای از رخ تو پیدا انوار پادشاهی

این نسخه دارای چهارصد و هشتاد و هشت غزل ، دو مثنوی ، نه قطعه و بیست و سه رباعی میباشد . بعلاوه نسخه نامبرده شامل غزلیات ذیل است که در نسخه چاپی قزوینی دیده نمی شود : -

۱- صبح دولت می دمد کو جام همچون آفتاب

فرصتی زین به کجا باشد بده جام شراب

۲- ز باغ وصل تو یابد ریاض رضوان آب

ز تاب هجر تو دارد شهرار دوزخ آب

۳- سخن شناس نه ای دلبر ا خطا اینجاست

چو بشنوی سخن اهل دل ، مگو که خطاست

۴- ناظر روی تو صاحب نظری نیست که نیست

منت خاک درت بر بصری نیست که نیست

۵- ای پسته تو خنده زده بر حدیث قند

مشتاقم از برای خدا یک شکر بخند

۶- برید باد صبا دوشم آگهی آورد

که روز محنت و غم رو بکوتهی آورد

۷- حافظ خلوت نشین دوش بمیخانه شد

از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد

۸- دوش می آمد و رخسار بر افروخته بود

تا کجا باز دل غمزده ای سوخته بود

۹- در هر هوا که جز برق اندر طلب نباشد

گر خرمی بسوزد چندین عجب نباشد

۱۰- ز دل بر آمدم و کام بر نمی آید

ز خود برون شدم و یار بر نمی آید

۱۱- گفتم که خطا کردی و تدبیر نه این بود

گفتا چه توان کرد که تقدیر چنین بود

۱۲- مزده ای دل که مسیحا نفسی می آید

که ز انفاس خویش بوی کسی می آید

۱۳- میزنم هر نفس از دست فراقت فریاد

آه اگر ناله زارم نرساند بتو باد

۱۴- دلاچندم بریزی خون ز دیده، شرم دار آخر

تو نیز از دیده خوابی کن، مراد دل بر آر آخر

۱۵- ساقیا مسایه شباب بیار

یک دو ساغر شراب نساب بیار

۱۶- صبا بمقدم او روح روح بخشد باز

که جاست بلبل خوش خوان بگو بر آر آواز

۱۷- جانان ترا که گفت که احوال ما مپرس

بیگانه گردد و قصه هیچ آشنا مپرس

۱۸- نیست کس راز کمند سر زلف تو خلاص

می کشی عاشق مسکین و نترسی ز قصاص

۱۹- حسن و جمال تو جهان جمله گرفت طول و عرض

شمس و قمر بیای تو افتد از آسمان بارض

۲۰- گردد رخ نگار من چونکه بدید دور خط

ماه ز آفتاب او راست فتاد در غلط

۲۱- ز چشم بد رخ خوب ترا خدا حافظ

کزو (ست) نیکی عالم بجای ما حافظ

۲۲- بفرو دولت گیتی فروز شاه شجاع
که نیست با کسم از بهر مال و جاه نزاع

۲۳- کسی مباد چو من خسته مبتلای فراق
که عمر من همه بگذشت در بلای فراق

۲۴- ساقی اگرت هوای مایی
جز باده میار پیش ما هی

۲۵- چه شود گرم آئی و برم بنشینی
ورنه هر فتنه که بینی و ز خود می بینی

۲۶- ای ز شرم عارضت گل کرده خوی
بر عرق پیش عقیقت جام می
و بر عکس ، نسخه قزوینی دارای غزلیات زیر است که در نسخه دهلی

موجود نیست :

۱- دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیروما

۲- میدمد صبح و کلمه بسته صحاب

۳- المنة لله که در میکده باز است

۴- بدم زلف تو دل مبتلای خویشتن است

۵- تا سر زلف تو در دست نسیم افتادست

۶- خواب آن نرگس فتان تو بی چیزی نیست

۷- دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست

۸- روزه یکسوشد و عید آمد ودلها برخاست

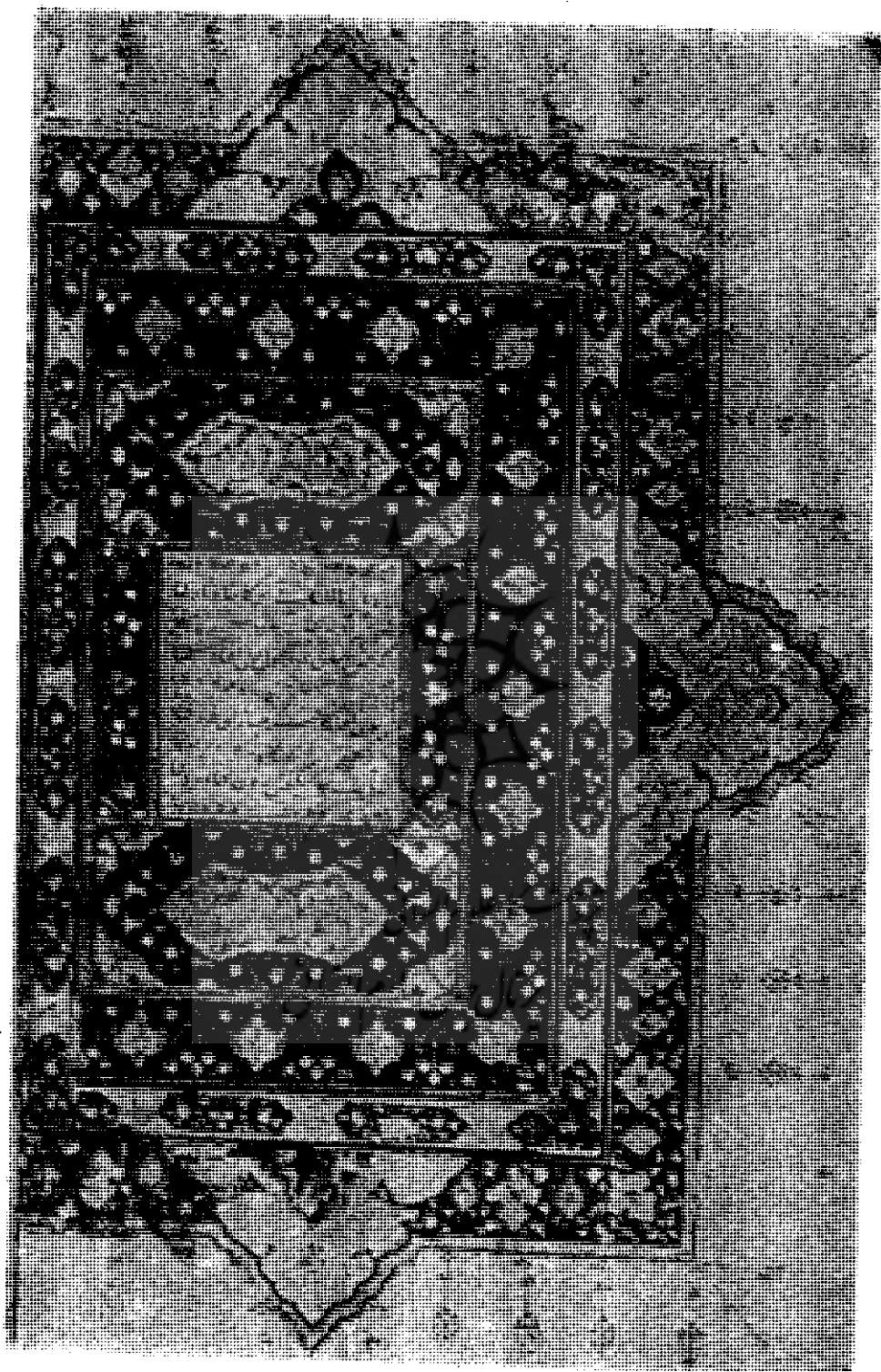
۹- میرمن خوش میروی کاندن سرو پا میرمت

۱۰- دل من در هوای روی فرخ

۱۱- آنکس که بدست جام دارد

۱۲- اگر روم ز پیش فتنها بر انگیزد

- ۱۳- ای پسته تو خنده زده بر حدیث قند
- ۱۴- خسروا گوی فلک در خم چو گان تو باد
- ۱۵- دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
- ۱۶- زاهد خلوت نشین دوش بمیخانه شد
- ۱۷- سحرم دولت بیدار بیالین آمد
- ۱۸- شاهدان گر دلبری زینسان کنند
- ۱۹- صبا وقت سحر بوئی ز زلف یار می آورد
- ۲۰- گداخت جان که شود کار دل تمام و نشد
- ۲۱- من و انکار شراب این چه حکایت باشد
- ۲۲- نسیم باد صبا دوشم آگهی آورد
- ۲۳- هر که شد محرم دل در حرم یار بماند
- ۲۴- هر گزم نقش تو از لوح دل و جان نرود
- ۲۵- در آ که در دل خسته توان در آید باز
- ۲۶- بتیغم گر کشد دستش نگیرم
- ۲۷- سرم خوش ست و بیانگ بلند میگویم
- ۲۸- عاشق روی جوانی خوش و نو خاسته ام
- ۲۹- ما درس سحر در ره میخانه نهادیم
- ۳۰- بهار و گل طرب انگیز گشت و توبه شکن
- ۳۱- خنک نسیم معنبر شمامه دلخواه
- ۳۲- ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی
- ۳۳- ای دل مباش بکدم خالی ز عشق و مستی
- ۳۴- ای که بر ماه از رخ رنگین نقاب انداختی
- ۳۵- بچشم کرده ام ابروی ماه سیمائی
- ۳۶- بصوت بلبل و قمری اگر ننوشی می



عکس صفحه اول نسخه خطی دیوان خواجه حافظ
به شماره ۴۶ . ۶۷ درموزه ملی دهلی نو

۳۷- سبت سلمی بصد غیها فوادی

۳۸- سلام الله ماکر الیالی

۳۹- سلیمی منذحلت بالعراق

۴۰- سینه مالا مال در دست ای دریغامرهمی

۴۱- مخمور جام عشقم ساقی بده شرابی

۴۲- نوش کن جام شراب یک منی

در ردیف «م» از یک غزل فقط مطلع ذیل موجود است :

نماز شام غریبان چو گریه آغازم

بمویه های غریبانه قصه پردازم

و بدنبال آن غزل دیگری است که فقط شامل چهار بیت ذیل و بدون مطلع

میباشد، در صورتیکه چنانکه قبلاً گفته شده این نسخه کامل است و هیچ نوع نقصی ندارد :

دوستان عیب من بیدل حیران مکنید

گوهری دارم و صاحب نظری میجویم

گرچه بادلق ملمع می گلگون عیب است

مکنم عیب کزو رنگ ریا می شویم

خنده و گریه عشاق ز جای دگر است

می سرایم بشب و وقت سحر می مویم

حافظم گفت که خاک در میخانه مبوی

گو مکن عیب که من مشک ختن می بویم

غزل زیر که در نسخه دهلی مشمول هشت بیت است در نسخه قزوینی به

صورت قصیده ای که مشتمل بر چهل و چهار بیت میباشد نقل شده است :

سپیده دم که صبا بوی بوستان گیرد

چمن ز لطف هوا نکته بر جنان گیرد

گذشته ازین نسخه قزوینی فاقد این مقطع است که در نسخهٔ دهلی موجود

است :

خیال شاهی اگر نیست در سر حافظ

چرا به تیغ زبان عرصه جهان گیرد

بعلاوه در غزلیات این نسخه ، ابیاتی است که در آنها شاعر به پیری خود

اشاره نموده و خود را چهل ساله گفته است مثلاً می گوید :

چل سال رنج و غصه کشیدیم و عاقبت

تدبیر ما بدست شراب دو ساله بود

مستی بآب يك دو عنب وضع بنده نیست

من سالخورده پیر خرابات پرورم

گرچه پیرم توشبی تنگ در آغوشم کش

تا سحرگه زکنار تو جوان بر خیزم

چل سال پیش رفت که من لاف میزنم

کز چاکران پیر مغان کمترین منم

چون پیرشدی حافظ از میکده بیرون آی

رندی و هوسناکی در عهد شباب اولی

می ده که سر بگوش من آورد چنگ و گفت

خوش بگذران و بشنوا زین پیر منحنی

قطعات ذیل در نسخهٔ دهلی موجود است ، ولی در نسخهٔ قزوینی نیست :

۱- دریغا خلعت حسن و جوانی

گوش بودی طراز زندگانی

۲- دل مبنده ای مرد بخرد بر سخای عمر وزید

کس نمی داند که کارش از کجا خواهد کشاد

۳- حسن این نظم از بیان مستغنی است

بسر فروغ مه کسی جسوید دلیل

و بر عکس ، قطعات زیر که در نسخه قزوینی هست ، در نسخه دهلی نیست :

۱- سرای مدرسه و بحث علم و طاق و رواق

چه سود چون دل دانا و چشم بینا نیست

۲- سرای قاضی یزدوار چه منبع فضل است

خلاف نیست که علم نظر در آنجا نیست

۳- آصف عهد زمان جان جهان تورانشاه

که درین مزرعه جز دانه خیرات نکشت

۴- بهاء الحق و السدین طاب مشواه

امام سنت و شیخ جماعت

۵- قوت شاعره من سحر از فرط ملال

متنفر شده از بنده گریزان میرفت

۶- رحمن لایموت چو آن پادشاه را

دید آنچنان کزو عمل الخیر لایموت

۷- بهمه سلطنت شاه شیخ ابو اسحق

به پنج شخص عجب ملک فارس بود آباد

۸- خسروا گوی فلک در خم چو گان تو باد

ساحت کون و مکان عرصه میدان تو باد

۹- دادگرا ترا فلک جرعه کش پیاله باد

دشمن دل سیاه تو غرقه بخون چو لاله باد

۱۰- روح القدس آن سروش فرخ

بسر قبه ط ————— ارم زبرجد

- ۱۱- شمه از داستان عشق شورانگیز ماست
این حکایتها که از فرهاد و شیرین کرده اند
- ۱۲- اعظم قوام دولت و دین آنکه بردش
از بهر خاکبوس نمودی فلك سجود
- ۱۳- بر سر بازار سربازان منادی میزنند
بشنوید ای ساکنان کوی رندی بشنوید
- ۱۴- برادر خواجه عادل طاب مثواه
پس از پنجاه و نه سال از حیاتش
- ۱۵- زان حبه خضرا خور کز روی سبکرو حی
هر کو بخورد يك جو بر سیخ زند سی مرغ
- ۱۶- مجد دین سرور و سلطان قضات اسمعیل
که زدی کلک زبان آورش از شرع نطق
- ۱۷- بلبل و سرو و سمن یاسمن و لاله و گل
هست تاریخ وفات شه مشکین کاکل
- ۱۸- سال وفال و مال و حال و اصل و نسل و تخت و بخت
بادت اندر شهر یاری بر قرار و بر دوام
- ۱۹- سرور اهل عما یم شمع جمع انجمن
صاحب صاحبقران خواجه قوام الدین حسن
- ۲۰- دلا دیدی که آن فرزانه فرزند
چه دید اندر خم این طاق رنگین
- ۲۱- ای معرا اصل عالی جو هرت از حرص و آز
وی میرا ذات میمون اخترت از رزق و ربو
- ۲۲- ساقیا پیمانہ پر کن زانکه صاحب مجلس
آرزو می بخشد و اسرار میدارد نگاه

The image shows a manuscript page with a central table and four decorative floral motifs in the corners. The table is a 4x2 grid with handwritten text in each cell. The text is in a cursive script, likely Persian or Urdu. The decorative motifs are stylized flowers or leaves, one in each corner of the page.

مجلس اول	مجلس دوم
مجلس سوم	مجلس چهارم
مجلس پنجم	مجلس ششم
مجلس هفتم	مجلس هشتم

عکسی از يك صفحه نسخه خطی دیوان خواجه حافظ
به شماره ۴۶ . ۶۷ درموزه ملی دهلی نو

۲۳- بگوش جان رهی منهی ندا در داد

ز حضرت احدی لاله لا اله الا الله

۲۴- بروز شنبه سادس ز ماه ذی الحججه

بسال هفتصد و شصت از جهان بشد ناگاه

۲۵- بمن سلام فرستاد دوستی امروز

که ای نتیجه کسکت سواد بینائی

۲۶- گدا اگر گهر پاك داشتی در اصل

بسر آب نقطه شرمش مدار بایستی

۲۷- آن میوه بهشتی کامد بدستت ای جان

در دل چرا نکشتی از دست چون بهشتی

۲۸- خسروا دادگرا شیر دلا بحر کفا

ای جلال تو بانواع هنر ارزانی

۲۹- پادشاه لشکر توفیق همراه تواند

خیز اگر بر عزم تسخیر جهان رومی کنی

همینطور این پنج رباعی که در نسخه دهلی موجود است ، در نسخه قزوینی

نیست :

۱- زان باده دبرینه دهقان پرورد

۲- در شوخی و دلبری بت من طاق است

۳- بنگر بچمن جمال فرخنده گل

۴- ای روی تو آفتاب آئینه روح

۵- چون جامه زتن بر کشد آن مشکین خال

و بر عکس این بیست و دو رباعی در نسخه قزوینی هست ، ولی در نسخه

دهلی نیست :

- ۱- برگیر شراب طرب انگیز و بیا
- ۲- ماهی که قدش بسرو میماند راست
- ۳- تو بدری و خورشید ترا بنده شدست
- ۴- هر روز دلم بزیر بار دگرست
- ۵- ماهی که رخس روشنی خود بگرفت
- ۶- نی دوات دنیا بستم می ارزد
- ۷- با می بکنار جوی می باید بود
- ۸- این گل ز بر هممنفسی می آید
- ۹- از چرخ بهر گونه همی دار امید
- ۱۰- خوبان جهان صید توان کرد بزر
- ۱۱- سیلاب گرفت گرد ویرانه عمر
- ۱۲- ماهی که نظیر خود ندارد بجمال
- ۱۳- در باغ چو شد باد صبا دایه گل
- ۱۴- لب باز مگیر یک زمان از لب جام
- ۱۵- در آرزوی بوس و کنارت مروم
- ۱۶- عمری ز پی مراد ضایع دارم
- ۱۷- ای شرم زده غنچه مستور از تو
- ۱۸- ای باد حدیث من نهانش میگو
- ۱۹- آن جام طرب شکار بردستم نه
- ۲۰- با شاهد شوخ شنگ و با بر بطونی
- ۲۱- قسام بهشت و دوزخ آن عقده کشای
- ۲۲- ای کاش که بخت ساز کاری کردی



عکس صفحه آخر نسخه خطی دیوان خواجه حافظ
به شماره ۴۶ . ۶۷ درموزه ملی دهلی نو

از میان معاصرین حافظ نام چند نفر در این نسخه دیده می‌شود که شاعر در

در ابیات ذیل صراحتاً از آنها اسم برده است :

دریای اخضر فلک و کشتی هلال

هستند غرق نعمت حاجی قوام (۱) ما

در کف غصه دوران دل-حافظ خون شد

از فراق رخت ای خواجه قوالدین (۲) داد

شهنشاه مظفر فر شجاع ملک و دین منصور (۳)

که جو دبی در یغش خنده برابر بهار انزد

من از جان بنده سلطان او یسم (۴)

اگر چه یادش از چاکر نباشد

راستی خاتم فیروزه بو اسحاقی (۵)

خوش درخشید، ولی دولت مستعجل بود

بخواه جام صبوحی بیاد آصف عهد

وزیر ملک سلیمان عماد دین محمود (۶)

۱- حاجی قوام الدین حسن (وفات : ۷۵۴ هجری / ۱۳۵۳ میلادی)

۲- خواجه قوام الدین عبدالله (وفات : ۷۷۲ هجری / ۱۳۷۰-۷۱ میلادی)

۳- شاه منصور بن شرف الدین مظفر بن مبارز الدین محمد (حکومت : ۷۸۹-۷۹۵ هجری

۱۳۸۷-۱۳۹۳ میلادی)

۴- سلطان او یس جلایری ابن شیخ حسن بزرگ ، مؤسس آل جلایر (حکومت : ۷۷۸-

۷۵۸ هجری / ۱۳۷۴-۱۳۵۶ میلادی)

۵- شاه شیخ جمال الدین ابواسحق انجو (حکومت : ۷۵۸-۷۴۴ هجری / ۱۳۵۷-۱۳۴۳

میلادی)

۶- خواجه عماد الدین محمود کرمانی ، وزیر شاه شیخ ابواسحق انجو

حافظ ز شوق مجلس سلطان غیاث‌الدین (۱)

غافل مشو که کار تو از ناله می‌رود

داور دین شاه شجاع (۲) آن که کرد

روح قدس حلقهٔ امرش بگوش

برندی شهره شد حافظ میان همدمان لیکن

چه غم دارم که در عالم قوام‌الدین حسن دارم

توران‌شہ (۳) خجسته که در من یزید فضل

شد منت مواهب او طوق گردنم

گوئی برفت حافظ از پادشاه منصور

بارب بیادش آور درویش پروریدن

۷- سلطان غیاث‌الدین اعظم شاه (حکومت: ۷۹۹-۸۷۹۲ / ۱۳۸۹-۱۳۹۶ میلادی)

دکتر رضا زاده شفق مینویسد: «بقول شبلی نعمانی... غیاث‌الدین بن اسکندر از شاهان

بنگاله نیز خواجه را دعوت کرد، ولی چون مبداء تاریخ سلطنت او را ۷۹۲ نوشته‌اند، اگر

این دعوت وقوع داشته باشد ناچار قبل از جلوس وی خواهد بود، زیرا در این تاریخ

حافظ در گذشته است.» تاریخ ادبیات ایران ص ۳۱۰

۲- ابوالفوارس جلال‌الدین شاه شجاع بن مبارزالدین (حکومت: ۷۸۶/۸۷۵۹ -

۱۳۸۴/۱۳۵۷ میلادی)

۳- (الف) خواجه جلال‌الدین تورانشاه، وزیر شاه شجاع و سلطان زین‌العابدین مظفری

(وفات: ۸۷۸۷/۱۳۸۵ میلادی)

(ب) تورانشاه، پسر قطب‌الدین تهمتن، پادشاه جزیره هرموز (حکومت: ۷۷۹-۸۷۴۷

۸-۱۳۷۷/۲-۱۳۴۶ میلادی)

فلك جنبه كمش شاه نصره الدين (۱) است

بیا بین مسلکش دست در رکاب زده

مسند فرزدولت کان شکوه و شوکت

برهان ملک و ملت بو نصر بو المعالی

احمد الله على معدلة السلطانی

احمد شیخ اویس حسن ایلخانی

تو بدین نازکی و سرکشی ای شمع چنگل

لایق بندگی خواجه جلال الدینی

البته ابیات ذیل که در آنها هم از معاصرین حافظ اسم برده شده و در نسخه

قزوینی موجود است ، در نسخه دهلی دیده نمی شود :

گر نکردی نصرت دین شاه یحیی از کرم

کار ملک و دین ز نظم و اتساق افتاده بود

شبل الاسد بصید دلم حمله کرد و من

گر لاغر م و گرنه شکار غضنفرم

برهان ملک و دین که زدست وزارتش

ایسام کان یمین شد و دریا یسار هم

وفاداری و حق گوئی نه کار هر کسی باشد

غلام آصف ثانی جلال الحق والدینم

نصره الدین شاه یحیی آنکه خصم ملک را

ازدم شمشیر چون آتش در آب انداختی

نه حافظ می کند تنهادعای خواجه تورانشاه

ز مدح آصفی خواهد جهان عیدی و نوروزی

۱- نصره الدین شاه یحیی (ولادت : ۷۴۴ هـ / ۱۳۴۳ میلادی ، وفات : ۷۹۵ هـ /

۱۳۹۳ / میلادی)

ای صبا بندگی خواجه جلال الدین کن

که جهان پر سخن و سوسن آزاده کنی

در یکی از دو مثنوی حافظ ایات ذیل در حاشیه نسخه قزوینی موجود است

که در نسخه دهلی دیده نمی شود :

خدیو جهان شاه منصور باد

غبار غم از خاطرش دور باد

بمنصوبیت شد در آفاق نام

که منصور بودی بر اعدا مدام

گذشته ازین شاعر در ایات ذیل بسوی بعضی از معاصرین خود اشاره نموده

است :

ای شهنشاہ بلند اختر خدا را ہمتی

تا ببوسم همچو اختر خالک ایوان شما

جهان بکام من اکنون شود که دور زمان

مرا به بندگی خواجہ جهان انداخت

من غلام نظر آصف عہدم کورانی و مطالعات فرنگی

صورت خواجگی و سیرت درویشان است

خیال آب خضر بست و جام اسکندر

بجرعہ نوشی سلطان ابو الفوارس شد

دیدیم شعر دلکش حافظ بمدح شاه

یک بیت از این قصیدہ بہ از صدر سالہ بود

گر بدیوان غزل صدر نشینم چہ عجب

سالہا بندگی صاحب دیوان کردم

خرم آن دم کہ چو حافظ بتولای وزیر

سرخوش از میکہدہ با دوست بکاشانہروم

ای صبا بر ساقی بزم اتابک عرضه دار

تا از آن جام زرافشان جرعه‌ای بخشد بمن

البته ابیات ذیل که در آنها هم به معاصرین حافظ اشاره شده و در نسخه

قزوینی موجود است ، در نسخه دهلی دیده نمی‌شود :

بیار ساغر در خوشاب ای ساقی

حسود گو کرم آصفی ببین و بمیر

رحم کن بر من مسکین و بفریادم رس

تا به خاک در آصف نرسد فریادم

پایه نظم بلندست و جهانگیر بگو

تا کند پادشه بحر دهان پر گهرم

می‌اند در مجلس آصف بنوروز جلالی نوش

که بخشد جرعه جامت جهان را ساز نوروزی

گر تو فارغی از ما ای نگار سنگین دل

حال خود بخوام گفت پیش آصف ثانی

در آخر نظر استاد محترم جناب آقای دکتر خانلری در باره این نسخه خطی

داده می‌شود :

این نسخه مسلماً در تاریخی که در آخر آن دیده می‌شود کتابت نشده است ،

زیرا اولاً ممکن نیست که حافظ سی و اند سال پیش از وفات دیوان خود را

کامل کرده و بعد از آن دیگر شعر نسروده باشد . ثانیاً غزلهایی که در این نسخه

هست غالباً پس از تاریخ ۷۵۹ ساخته شده است . از جمله در مدح شاه شجاع که

در ۷۶۰ به سلطنت رسید و غزلهایی در تهنیت جلوس شاه یحیی و شاه منصور که

در ۷۸۹ در شیراز سلطنت یافته‌اند و غزلهای متعدد دیگر که از روی قرائن تاریخی

مربوط به اواخر عمر شاعر است . ثانیاً خط و تذهیب این نسخه درست به شیوه

معروف به مکتب هرات است که در قرن نهم بوجود آمد و در قرون دهم اندک تحول

و تکمیل یافت و خاصه نمونه های فراوان ازین شیوه اخیر متعلق به دوران سلطنت شاه طهماسب اول موجود است. تاریخی که به رقم در آخرین نسخه است (۷۰۵۹) مسلماً نباید هفتصد و پنجاه و نه خوانده شود. نقطه میان ۷ و ۵ متعلق به کلمه «سنه» است که در زیر رقم نوشته شده و چنین احتمال می رود که اعداد دیگر، چنانکه رسم بعضی از کتاب بوده، از راست به چپ کتابت شده باشد و بدین ترتیب ۷۵۹ باید ۹۵۷ خوانده شود، و این تاریخ همان دوره سلطنت شاه طهماسب صفوی است و شیوه خط و تذهیب نیز با همین دوران مطابقت دارد.»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی